

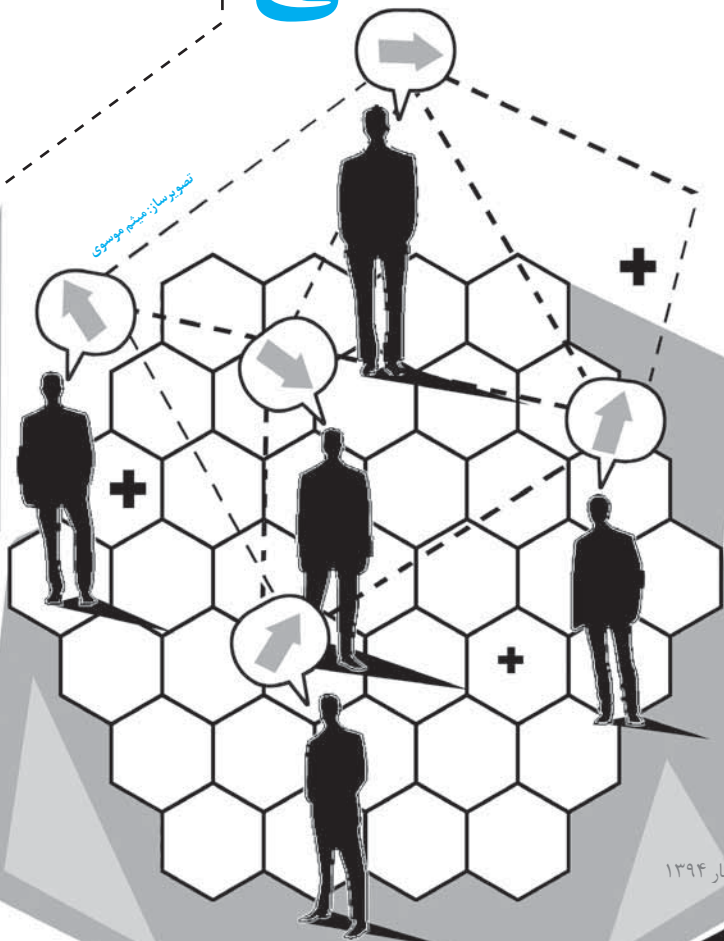
چکیده

رشد و گسترش عقلانیت به معنای عقلانیت ابزاری وبری در دوران جدید، موجب شده است که کنش انسان‌ها با یکدیگر و نیز ساختارهای اجتماعی دگرگون شود و از این‌رو تحلیل جدیدی می‌طلبد. نظریهٔ گزینش عقلانی بر آن است که با تبیین‌های بدیع و متفاوتی از رفتار آدمی، ساختارهای اجتماعی و تعامل این دو با یکدیگر، دریچهٔ تازه‌ای را در تحلیل جامعه‌شناختی بگشاید. (مقدس و اسلام، ۱۳۸۵: ۱۷۶) به‌دلیل نقش نظریهٔ گزینش عقلانی در فراهم کردن انسجام تئوریک در کل رشته‌های علوم اجتماعی، این نظریه به‌عنوان «زبان مشترک» علوم اجتماعی توصیف شده است. علاوه بر ارائهٔ انسجام نظری در علوم اجتماعی، انتخاب عقلانی در علوم انسانی نیز گسترش یافته و بنیانی را برای بسیاری از کارهای جاری در فلسفهٔ قوم‌شناسی و قانون فراهم آورده است. (هکارتون، ۲۰۰۳) نظریهٔ گزینش عقلانی فرض را بر این می‌گیرد که هدف‌ها و ترجیح‌های فردی، معین و تثبیت شده‌اند و کنشگران در تعقیب این هدف‌ها، تنها باید میان انواع راه‌های کنش گزینش معقولی به عمل آورند. (هکتر، ۱۹۸۳: ۸، نقل در: ریتزر، ۱۳۷۴: ۶۱۱) شمار هواداران این نظریه در جامعه‌شناسی رو به افزون است. هر چند بر مقاومت هواداران دیدگاه‌های دیگر که عمدتاً از سنت محافظه‌کارانهٔ جامعه‌شناسی هستند، در برابر این نظریه افزوده می‌شود. در این نوشتار بر آنیم تا زیرعنوان‌های ریشه‌های فکری، تعریف و ابعاد، مفروضات، صاحب‌نظران، رویکردهای مختلف مطرح در نظریهٔ گزینش عقلانی و انتقادات، به معرفی این نظریه بپردازیم.

کلیدواژه‌ها: عقلانیت، فایده‌گرایی، گزینش عقلانی، فردگرایی، روش‌شناختی

درآمدی بر نظریهٔ گزینش عقلانی

توسعه‌یاز: نسیم موسوی



دکتر محمد جواد زاهدی
دانشیار دانشگاه پیام‌نور
پروین علی‌پور
دانشجوی دکتری دانشگاه پیام‌نور

ریشه‌های فکری نظریه‌گزینش عقلانی

اصول بنیادی «نظریه‌گزینش عقلانی» از اقتصاد نوکلاسیک و فایده‌گرایی سرچشمه گرفته است. (ریترز، ۱۳۸۹: ۲۸۱) مهم‌ترین ریشه نظریه‌گزینش عقلانی از دیدگاه صاحب‌نظران، اقتصاد کلاسیک و نوکلاسیک است. اقتصاددانان کلاسیک انسان‌ها را جست‌وجوگرانی منطقی می‌شناسند که به دنبال حداکثر کردن سود خویش هستند. **آدام اسمیت** تقسیم کار و اشتغال افراد به مشاغل مختلف را نتیجه منطقی تمایل افراد به مبادله می‌داند که منشأ آن نفع شخصی است. اقتصاددانان نوکلاسیک در ادامه همین راه می‌خواستند علم اقتصاد را براساس این اصل که «انسان در جست‌وجوی تمتع بیشتر با کوشش کمتر است»، پایه‌ریزی کنند. مفهوم «انسان اقتصاد» برای آن‌ها انسانی فرضی است که به‌طور منطقی و با روش کاملاً عقلانی در تعقیب منافع شخصی خود است (قدیری اصلی ۱۳۷۶: ۴-۳۲۳) که البته نفع شخصی افراد در کنار هم تشکیل دهنده نفع اجتماعی نیز هست.

فایده‌گرایی یکی دیگر از بنیادهای نظریه‌گزینش عقلانی انتخاب عقلانی است. این نظریه مقیاس مشترکی به‌دست می‌دهد برای سنجش انواع نیکی‌ها از قبیل: نیکی درآمد و فراغت، نیکی تغذیه و صرف هزینه و نیکی بحث‌های روشن‌فکرانه و محیط اجتماعی حاصل از آن. غرض نظریه‌فایده‌بخشی صوری ساختن این قابلیت است. این نظریه منطقاً بر سه اصل استوار است:

۱ فایده تابعی است از متغیر نیکی، و نهایتاً هم ارزش هر نیکی را برای شخص فاعل مشخص می‌سازد.

۲ عاقلان همواره پیامدهایی را اختیار می‌کنند که فایده بیشتری داشته باشد.

۳ مقیاس فایده، مقیاسی پیوسته و لذا قابل ادامه و افزایش است. (لیتل، ۱۳۸۱: ۷۱)

دیگر سرچشمه نظریه‌گزینش عقلانی دیدگاه **وبر** در باب «عقلانیت» است. وبر چهار نوع کنش را از یکدیگر تفکیک می‌کند که عبارت‌اند از کنش سنتی، کنش عاطفی، کنش معطوف به ارزش و کنش عقلانی. تمرکز وبر بر کنش در مدرنیته یا همان کنش عقلانی است. کنش عقلانی وقتی اتفاق می‌افتد که کنشگر بهترین و کاراترین راه را برای رسیدن به هدفی مشخص می‌سنجد و محاسبه می‌کند. نه اینکه «چنین می‌کنم چون فلان را می‌خواهم»، بلکه «چنین می‌کنم چون تصور می‌کنم بهترین و

کاراترین راه برای رسیدن به فلان هدف است». به اعتقاد وبر، مدرنیته مستلزم فائق آمدن عقلانیت محدود بر همه دیگر اشکال کنش است. (جلائی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۶۰)

تعریف و ابعاد نظریه‌گزینش عقلانی

نظریه‌گزینش عقلانی، جامعه را مجموعه‌ای از افراد می‌داند که کنش عقلانی دارند. یعنی براساس این نظریه، کنشگر کنشی را انتخاب می‌کند که حداکثر فایده را برای او دارد. (کلمن، ۱۳۷۷) **پاره‌تو**، جامعه‌شناسی را علم کنش‌های غیرمنطقی و اقتصاد را علم کنش‌های منطقی می‌داند (بودون، ۱۳۷۰) اما در جامعه‌شناسی نیز گرایش عمده‌ای وجود دارد که براساس انتخاب عقلانی، رفتارهای بشری را تبیین می‌کند.

در نظریه‌گزینش عقلانی، جامعه مجموعه‌ای از افراد است که کنش عقلانی دارند. کنش عقلانی در این منظر، کنش عقلانی معطوف به هدف در تعریف وبر یا کنش مبتنی بر عقلانیت ابزار است. این افراد آگاه، مختار و هدفمند در هر شرایطی به دنبال بیشینه کردن سود خود هستند. کار فاعلانی عاقلانه است که در چارچوب اعتقاداتشان، نسبت به شقوق ممکنه و عواقب مختار شقوق، شقی را برگزینند که برای رسیدن به غایاتشان بهترین راه باشد. (لیتل، ۱۳۸۱: ۶۹)

از این‌روست که تأکید و تمرکز نظریه‌گزینش عقلانی روی کنشگران است. به اعتقاد نظریه‌پردازان گزینش عقلانی، کنشگران دارای هدف و نیت هستند؛ یعنی مقاصد یا اهدافی برای کنش‌هایشان در نظر دارند. کنشگران همچنین دارای رجحان‌ها (یا ارزش‌ها و منفعت‌ها)ی هستند و نظریه‌گزینش عقلانی به این قضیه کاری ندارد که این اولویت‌ها یا منابع آن‌ها چه چیزهایی هستند. از جمله نکات مهم این نظریه آن است که کنش در راستای نیل به اهدافی عمل می‌کند که با سلسله مراتب رجحان کنشگر هماهنگی دارد. باید توجه داشت که کنش دارای دو محدودیت عمده است:

مورد نخست کمبود منابع است. کنشگران از منابع متفاوتی برخوردارند و نیز از لحاظ دستیابی به منابع دیگر در شرایط یکسانی نیستند. احتمالاً نیل به اهداف برای کسانی که به منابع فراوانی دسترسی دارند، نسبتاً آسان است اما برای آن‌هایی که منابع کمی در اختیار دارند، ممکن است دستیابی به اهداف دشوار و یا حتی غیرممکن باشد.

دومین منبع محدودکننده کنش فردی نهادهای اجتماعی هستند. کنش‌های فرد نوعاً از گهواره تا گور تحت‌الزام قواعد خانوادگی و مدرسه، قوانین و احکام، خط‌مشی‌های محل کار و... درمی‌آید. این قیدوبندهای نهادی تقویت‌کننده‌های منفی و مثبتی را فراهم می‌آورند که کنش‌های خاصی را تشویق و از وقوع کنش‌های دیگر جلوگیری می‌کنند. (ریترز و گودمن، ۱۳۹۰: ۴۱۰-۴۰۰).

فریدمن و هکتور دو ایده دیگر را نیز برمی‌شمارند که به‌نظر

کنش عقلانی وقتی اتفاق می‌افتد که کنشگر بهترین و کاراترین راه را برای رسیدن به هدفی مشخص می‌سنجد و محاسبه می‌کند نه اینکه چنین می‌کنم چون فلان را می‌خواهم، بلکه چنین می‌کنم چون تصور می‌کنم بهترین و کاراترین راه برای رسیدن به فلان هدف است

معتقد به عدم مداخله دولت در بازار و نظم خود به خودی است که توسط سازوکارهای درونی بازار ایجاد می‌شود، نظریه انتخاب عقلانی جامعه را در وضعیت عادی خویش سرشار از توافق می‌داند. **کرایب** اشاره می‌کند: «ثبات و نظم را افرادی پدید می‌آورند که دست به انتخاب‌های عقلانی آزاد می‌زنند. در چنین حالتی ماهیت نظام‌یافته جامعه نتیجه آن چیزی تلقی می‌شود که **آدام اسمیت** آن را **دست نامرئی** نامیده است. (کرایب، ۱۳۸۵: ۹۱-۹۰). لذا بی‌دلیل نیست که این نظریه را ایدئولوژی جریان‌های لیبرال و جناح راست می‌دانند.

مفروضات

نظریه کنش عقلانی الگوهای جمعی کنش در نظام‌های اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد. بدین منظور، غالباً فرض‌های ساده شده‌ای در مورد رفتار به کار گرفته می‌شوند که از همه مهم‌تر اصل موضوعه عقلانیت است و براساس آن افراد، کنشگران هدفمند در نظر گرفته می‌شوند که به دنبال بهینه‌سازی منافع خویش‌اند. مطابق با این نظریه، افراد با توجه به مجموعه‌ای از کنش‌های بالقوه، کنشی را برمی‌گزینند که برای آن‌ها بهترین نتیجه را در برداشته باشد.

در این نظریه، فرض بر این است که انسان‌ها عقلانی هستند و کنش آن‌ها مبتنی بر این است که از مؤثرترین وسایل برای نیل به اهداف خود استفاده کنند. در جهانی که منابع کمیاب است، لازم است پیوسته وسایل مختلف رسیدن به اهداف مختلف و نیز انتخاب بین آن‌ها مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد. اصطلاح انتخاب عقلانی نیز از همین بنیان ناشی می‌شود. (والاس و ولف، ۱۹۹۹: ۲۰۳؛ آب، ۲۰۰۳ نقل شده در: مقدس و اسلام، ۱۳۸۵)

براساس اصل موضوعه عقلانیت فرض‌هایی ساخته می‌شوند که قابل تعمیم به کنش‌های اجتماعی و سطوح ساختاری و نهادی هستند. **تورنو** (۱۹۹۸: ۳۰۴) فرض‌های نظریه انتخاب عقلانی را به قرار زیر فهرست کرده است:

- ۱ «انسان‌ها هدف‌دار و هدف‌جو هستند.
 - ۲ انسان‌ها دارای مجموعه‌ای از ترجیحات یا منافع‌اند که به شکل سلسله مراتبی تنظیم یافته‌اند.
 - ۳ انسان‌ها در گزینش مسیرهای رفتاری خود، به اشکال زیر به محاسبه عقلانی می‌پردازند:
- سود مسیرهای مختلف رفتار با توجه به سلسله مراتب ترجیحات؛
 - هزینه‌های هر گزینه بر حسب منافع صرف نظر شده؛
 - بهترین راه بیشینه‌سازی منافع.

آن‌ها برای نظریه گزینش عقلانی اهمیت اساسی دارند: اولی عبارت است از نوعی سازوکار جمعی یا فرایندی که از طریق آن «کنش‌های فردی جداگانه به منظور تولید فرآورده‌های اجتماعی معینی با هم ترکیب می‌شوند.» (همان، به نقل از فریدمن و هکتر، ۱۹۸۸: ۲۰۳) ایده دوم، اهمیت اطلاعات در انجام گزینش‌های عقلانی است. زمانی فرض بر این بود که کنشگران از اطلاعات کامل یا دست‌کم کافی برای انتخاب گزینه‌های هدفمند از بین مسیرهای متفاوت کنش برخوردارند اما این قضیه بیش از پیش مورد تأیید قرار می‌گیرد که کمیت و کیفیت اطلاعات موجود، متغیر است و این تغییر تأثیر شدیدی بر گزینه‌های کنشگران دارد. (همان، به نقل از هکتورن، ۱۹۹۷) البته روایت جامعه‌شناختی انتخاب عقلانی تمام رفتارهای بشری را عقلانی تصور نمی‌کند، بلکه اعتقاد دارد که مردم به تعداد و دفعات کافی دست به کنش عقلانی می‌زنند که نظریه انتخاب عقلانی را به یک گزاره کارآمد تبدیل می‌کند. دیگر اینکه کنش عقلانی ابزاری، از لحاظ روش‌شناختی مقدم است؛ یعنی وقتی می‌کوشیم کنش انسانی را درک کنیم، باید تبیین‌ها و الگوهای عقلانی را در اولویت قرار دهیم. (کرایب، ۱۳۸۶: ۹۷) با اولویت دادن به کنش عقلانی راه را برای نگاه کردن به سایر انگیزه‌ها باز می‌کنیم. نظریه انتخاب عقلانی با این تعبیر، به مفهوم سنخ آرمانی و بر بسیار نزدیک‌تر می‌شود. با نگاه کردن به شیوه تفاوت واقعیت با آنچه در صورت عقلانی بودن کنش افراد می‌توان انتظار داشت، می‌توانیم جنبه‌های شالوده‌ای - یا دست‌کم غیرعقلانی - رفتار آن‌ها را کشف کنیم. این برداشت دفاع نیرومندی از تبیین انتخاب عقلانی است. (همان: ۹۸)

مفروضات نظریه گزینش عقلانی

براساس تقسیم‌بندی **ریترز** از انگاره‌های جامعه‌شناختی، نظریه گزینش عقلانی را باید در زمره انگاره تعریف اجتماعی دانست. ریترز موضوع مطالعه انگاره تعریف اجتماعی را جهان ذهنی خرد و آن بخش از جهان عینی خرد می‌داند که به فرآیندهای ذهنی (یعنی کنش) می‌پردازد. (ریترز، ۱۳۷۴: ۶۴۵) از بعد تقسیم‌بندی توافق - تضاد، انتخاب عقلانی را باید طرفدار توافق دانست. بنا بر پیش فرض اقتصاد کلاسیک که

۴ باز تولید پدیده‌های اجتماعی همچون ساختارهای اجتماعی، تصمیم‌های جمعی و نیز رفتار جمعی، نتیجه انتخاب‌های عقلانی افرادی است که به دنبال بیشینه‌سازی سودند.

۵ پدیده‌های اجتماعی نوظهوری که از انتخاب‌های عقلانی ناشی می‌شوند، مجموعه‌ای از عوامل را برای انتخاب‌های عقلانی بعدی افراد فراهم می‌کنند، به نحوی که عوامل تعیین‌کننده زیر را مدنظر دارند:

• توزیع منابع در میان افراد؛

• توزیع فرصت‌ها برای مسیرهای مختلف رفتار؛

• توزیع هنجارها و تعهدات در یک موقعیت» (نقل شده در مقدس و اسلام، ۱۳۸۵: ۱۸۰)

همان‌گونه که پیداست، هر چه از فرض ۱ به فرض ۵ و زیرمجموعه‌های آن نزدیک‌تر می‌شویم، سطوح ساختاری و نهادی اهمیت بیشتری می‌یابند. ادعای طرفداران نظریه انتخاب عقلانی در تحلیل مسائل سطح کلان اجتماعی با فرض‌های ساده و قابل آزمون، دقیقاً در این فرض‌های طرح‌شده به‌وسیله ترنر آشکار است.

به دلیل تأکید بسیاری که در نظریه انتخاب عقلانی بر فردیت و عقلانیت می‌شود، می‌توانیم با اطمینان بگوییم که بین ماهیت مدرنیته و نظریه انتخاب عقلانی پیوند و رابطه وجود دارد. (کرایب، ۱۳۸۶: ۸۷)

به عقیده مارگارت آرچر: «ادعای گزافی نیست اگر بگوییم که انتخاب عقلانی، بر نظریه کلان مدرنیته متأخر استوار است. فراروایت‌های این نظریه، اساساً به عقلانی شدن پیشرونده غرب و سپس جهان مربوط می‌شود. به همین دلیل است که این رهیافت، در نهادهای اقتصادی و مالی بین‌المللی تا این حد نفوذ یافته است. مادامی که نیروهای جهانی دست اندر کار افسون‌زدایی هستند، این نظریه می‌تواند گام‌هایی بزرگ و این چنین مؤثر بردارد. (آرچر و تریتز، ۲۰۰۱، نقل شده در مقدس و اسلام، همان)

همچنین، **استفان فیشر** (۲۰۰۳) مفروضه‌های نظریه گزینش عقلانی را به‌صورت خلاصه، چنین بیان می‌کند:

• هدف نظریه مزبور تولید قواعد جهانی یا عمومی حاکم بر رفتار اجتماعی، از طریق تعریف تعادل است. تعادل وقتی وجود دارد که هیچ‌کس به تغییر رفتار خود تمایل نداشته باشد. این تعادل وقتی است که افراد (نه گروه‌ها) نفع مورد انتظار خود را به حداکثر می‌رسانند.

• نظریه گزینش عقلانی بر پایه فردگرایی روش‌شناختی است. یعنی انتخاب عقلانی وجود گروه‌ها را انکار نمی‌کند بلکه ادعا می‌کند که فقط افرادند که عمل می‌کنند. (جوادی یگانه، ۱۳۸۷)

ریمون بودون نیز نظریه گزینش عقلانی را مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌ها تلقی می‌کند که عبارت‌اند از:

• پدیده‌های اجتماعی معلول و نتیجه تصمیمات، کنش‌ها و نگرش‌های افراد هستند.

• اصولاً هر کنشی دست‌کم قابل فهم است.

• کنش‌ها معلول استدلال‌های ذهنی افراد هستند.

• استدلال‌ها و رویکرد عقلانی، برآمده از توجه کنشگر به نتایج کنش اوست (نتیجه‌گیری ابزارگرایانه)

• کنشگران عمدتاً به نتایج کنش برای خودشان توجه می‌کنند. کنشگران می‌توانند سود و زیان کنش‌های خود را محاسبه کنند و آن نوع کنشی را انجام دهند که به نفع آن‌هاست. (به حداکثر رساندن و بهینه‌سازی - بودون، ۲۰۰۳: ۶).

از جمله صاحب‌نظران برجسته نظریه گزینش عقلانی می‌توان به جیمز کلمن، ریمون بودون و مایکل هکتر اشاره کرد.

فردگرایی روش‌شناختی و نظریه گزینش عقلانی

نظریه گزینش عقلانی (یا به تعبیر کلمن «انگاره کنش عقلانی»، ۱۹۸۹: ۵) تنها نظریه‌ای است که امکان ایجاد تلفیق انگاره‌ای را در خود دارد. به اعتقاد کلمن، رویکرد مذکور بر مبنای «فردگرایی روش‌شناختی»^۱ عمل می‌کند. از این‌رو، نظریه گزینش عقلانی را به‌عنوان مبنای سطح خرد برای تبیین پدیده‌های سطح کلان مورد استفاده قرار می‌دهند. کلمن می‌گوید جامعه‌شناسی باید توجه خود را روی نظام اجتماعی متمرکز کند اما این پدیده‌های کلان باید به واسطه عوامل درونی نظام‌های اجتماعی، مثلاً افراد، تبیین شوند. او به چند دلیل فعالیت در این سطح را می‌پسندد؛ از جمله این واقعیت که داده‌ها معمولاً در سطح فردی گردآوری و سپس برای کاربرد در سطح نظام با یکدیگر تجمیع و یا ترکیب می‌شوند. از دلایل دیگر علاقه کلمن به کار در سطح فردی این است که سطح فردی همان جایی است که معمولاً «مداخله‌ها» برای ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی صورت می‌پذیرند. نکته اساسی در دیدگاه کلمن این عقیده است که نظریه اجتماعی صرفاً یک فعالیت دانشگاهی نیست بلکه می‌باید از طریق چنین «مداخلاتی» بر جهان تأثیر گذارد.

کلمن با توجه به تأکیدش بر فرد اذعان می‌کند که یک فردگرایی روش‌شناختی است؛ هر چند که دیدگاه ویژه‌اش را به‌عنوان «گونه خاصی» از این جهت‌گیری به‌شمار می‌آورد. دیدگاه او از این حیث خاص است که ایده ظهور را می‌پذیرد و بر عوامل درونی نظام تمرکز دارد، اما آن عوامل را لزوماً شامل کنش‌ها یا جهت‌گیری‌های فردی نمی‌داند. یعنی به‌جز افراد، پدیده‌های سطح خرد دیگر نیز نمی‌توانند در تحلیل او گنجانده شوند. (ریتزر و گودمن، ۱۳۹۰: ۴۴۱-۴۴۰)

رویکردهای مختلف در نظریه گزینش عقلانی

«مهم‌ترین نظریه‌های بنا شده بر پایه نظریه گزینش عقلانی،

«نظریه تصمیم‌گیری»، «نظریه کنش جمعی» و «نظریه بازی» است. (جوادی یگانه، ۱۳۸۷: ۳۶)

نظریه تصمیم‌گیری: این نظریه بر مفروضاتی چند به این شرح مترتب است:

۱ هر فرد مجموعه‌ای منظم و رتبه‌بندی شده از اهداف دارد.

۲ در هر موقعیتی چند راه پیش پای فرد قرار دارد.

۳ هر کدام از این راه‌ها پیامدهایی را به دنبال دارند که میزان مثبت یا منفی بودن این پیامدها در برآورده ساختن اهداف مدنظر فرد است.

در نتیجه، فرد بر حسب پیامدی که برای هر راه وجود دارد، راهی را برمی‌گزیند که بهترین پیامد را برای فرد در پی داشته باشد. اهدافی که ذکر شد، متنوع و گوناگون‌اند؛ تحصیل درآمد، فراغت، فرهیختگی و مانند آن، و به عبارت دیگر، اهداف مادی و عینی و اهداف غیرمادی. (لیتل، ۱۳۸۱)

نظریه مسابقت: عقلانیت موجود در نظریه تصمیم‌گیری به بیان **الستر** «عقلانیت پارامتریک» است عقلانیت پارامتریک مستلزم تصمیمات کنشگر است، اما نوع دیگری از عقلانیت نیز وجود دارد که الستر آن را عقلانیت راهبردی نامیده است و مربوط به موقعیت‌هایی می‌شود که فرد برای تصمیم‌گیری باید تصمیمات افراد دیگر را نیز لحاظ کند. برای مثال، یک فرمانده عاقل باید علاوه بر عقلانیت تصمیمات خود، تصمیمات دشمن را که او نیز عاقلانه رفتار می‌کند، در نظر گیرد. در حقیقت، عقلانیت راهبردی خویشاوندی و پیوند نزدیک‌تری با علوم اجتماعی دارد؛ زیرا با تعاملات اجتماعی سروکار دارد. نظریه مسابقت جزو عقلانیت راهبردی است.

مسابقات دو گونه هستند: مسابقات سرجمع صفر که برد یک طرف برابر است با باخت طرف دیگر. مثل پرتاب سکه و مسابقات سرجمع ناصفر که به جز حالت برد و باخت، تساوی نیز وجود دارد؛ مثل قرارداد میان سرمایه‌دار و کارگر که ممکن است یکی از دو طرف بیشتر سود برد و یا هر دو به یک اندازه سود برند. مسابقات سرجمع صفر زمینه‌ساز رقابت صرف‌اند؛ در حالی که مسابقات سرجمع ناصفر آمیخته‌ای از همکاری و رقابت هستند و از این نظر بیشتر مورد توجه علوم اجتماعی قرار گرفته‌اند.

یک نمونه از مسابقات سرجمع صفر «دو راهی^۲ شخص زندانی» است. در این وضعیت، دو کنشگر وجود دارند که هر کدام دو راه پیش‌رو خواهد داشت: همکاری یا ترک همکاری. در این مسابقه اگر هر دو همکاری کنند، هر دو یک امتیاز مثبت کسب می‌کنند. اگر هر دو ترک همکاری کنند، هر دو یک امتیاز منفی و اگر یکی همکاری و دیگری ترک همکاری کند، کسی که همکاری کرده است، دو امتیاز منفی و طرف مقابل دو امتیاز مثبت کسب می‌کند. حال پرسش این است که بنا بر مفروضات نظریه انتخاب عقلانی، هر کدام از دو طرف چه

خواهند کرد. بهترین انتخاب برای هر کدام به‌طور مجزا حداکثر کردن سود، یعنی ترک همکاری است ولی نتیجه چنین امری ضرر هر دو خواهد بود. این وضعیت را «پارادوکس عقلانیت جمعی» نامیده‌اند؛ زیرا عقلانیت فردی هر بازیگر در تضاد با نفع شخصی اوست. گویی در اینجا عقلانیت فردی به ضرر جمعی می‌انجامد. (لیتل، ۱۳۸۱)

نظریه کنش جمعی بیان می‌کند که افراد عاقل به دنبال کسب کالاهای همگانی گروه خود نمی‌روند بلکه در ترجیحات خود، طفیلی‌گری را انتخاب می‌کنند. بنابراین، اکثر تصمیمات جمعی با شکست روبه‌رو می‌شوند. **مکنور اولسون** در کتاب «منطق کنش جمعی» (۱۹۶۵)، به دنبال بررسی مسئله کنش جمعی بود؛ بدین معنی که چگونه افرادی که در راستای منافع شخصی خویش عمل می‌کنند، نمی‌توانند تدارک کالاها یا خدماتی را که از لحاظ جمعی به نفع همه‌شان است، تضمین کنند. (همان: ۹۲)

از سوی دیگر، بر اساس مدل انتخاب عقلانی، هر کنشگر عاقل ممکن است در موقعیت‌هایی قرار گیرد که عقلانیت ابزاری به وی حکم کند که نفع فردی (آنی) را انتخاب کند اما منطق آن نوع خاص از موقعیت، به گونه‌ای باشد که انتخاب گزینه نفع فردی توسط او (و بسیاری دیگر از کنشگران عاقل)، نتیجه‌ای را به دنبال داشته باشد که به زیان همگان (از جمله آن کنشگران عاقل) باشد. بازی دو راهی زندانی به خوبی نشان دهنده این ساخت فاسد است؛ ساختی که در آن، هر زندانی به دنبال کم کردن زمان زندان خود است و انتخابی می‌کند که نتیجه آن، ماندن بیشتر هر دو زندانی در زندان خواهد شد؛ چیزی که هیچ‌کدام از دو زندانی، انتظار آن را ندارند.

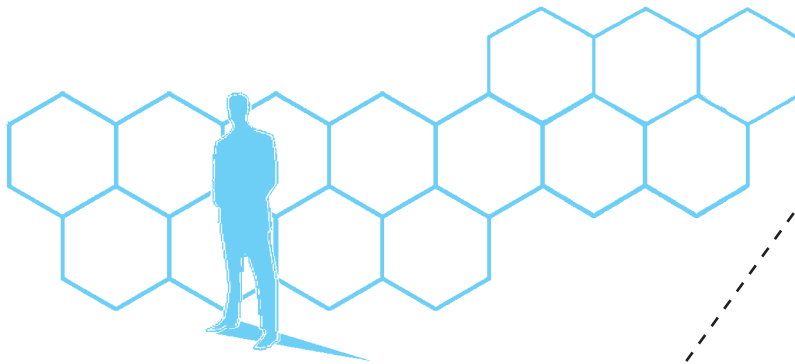
گرت هاردین در مقاله‌ای به نام «تراژدی اشتراک» (۱۹۶۸) به برخی از این موقعیت‌ها اشاره کرده است؛ از جمله چراندن بیش از حد دام در یک مرتع، یا صید بیش از اندازه از یک دریاچه که باعث از بین رفتن منابع و در نتیجه، زیان جمعی دام‌داران یا ماهیگیران خواهد شد. **داووز** (۱۹۸۰) این موقعیت‌ها را «دو راهی اجتماعی» نامیده است. (جوادی یگانه و هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۴۶)

انتقادات مطرح شده در مورد نظریه گزینش عقلانی

نظریه گزینش عقلانی آماج حملات شدیدی در جامعه‌شناسی بوده است که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیرند:

چارلز تیلی (۱۹۹۷: ۸۳) انتقادهای عمده زیر را بر نظریه گزینش عقلانی وارد می‌داند:

- عدم توانایی در نشان دادن سازوکارهای علی؛
- ترویج نوعی تقلیل‌گرایی روان‌شناختی ناقص و بنابراین گمراه‌کننده؛
- حمایت از نوعی «نظریه عام» در جهت گزینش عقلانی که دانش پژوهان اجتماعی را برای مدتی در مسیرهای بن‌بست



تقلیل‌گرایی فردگرایی قرار داده بود.
بلاو (۱۹۹۷) با توجه به مواضع کلان ساختاری‌اش استدلال می‌کند که جامعه‌شناسی می‌باید بر پدیده‌های سطح کلان تأکید داشته باشد و در نتیجه، تبیین رفتار فردی که تخصص نظریه‌گزینش عقلانی است، بیرون از قلمرو جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد.

همچنین، **توماس فارانو** (۱۹۹۶) نظریه‌گزینش عقلانی

را به خاطر نادیده گرفتن پدیده‌هایی همچون فرهنگ، مورد انتقاد قرار می‌دهد و **جیل گرگ** (۱۹۹۷) از این نظریه به دلیل کم‌اهمیت شمردن «رویدادهای اتفاقی» انتقاد می‌کند. (ریترز و گودمن، ۱۳۹۰: ۴۵۱-۴۵۰)

کالینز (۱۹۹۷) چند ضعف عمده نظریه انتخاب عقلانی را موارد زیر می‌داند:

● قدرت دیدگاه‌گزینش عقلانی در تبیین و پیش‌بینی، یک همان‌گویی است.

● از عواطف انسانی غفلت می‌ورزد.

● در تحلیل قشربندی و به‌ویژه قدرت سرکوبگر ضعیف عمل می‌کند. (مقدس و اسلام، ۱۳۸۵: ۲۰۸)

گذشته از این انتقادات، نظریه‌گزینش عقلانی پاسخ دقیقی به موضوع عوامل مؤثر بر حفظ و ثبات جامعه و تبیین رفتار گروهی نمی‌دهد. این نظریه با آغاز کردن از دیدگاه فرد عقلانی، سؤال را به شکل تازه‌ای در می‌آورد و با این کار، دقیقاً نشان می‌دهد که چقدر دشوار است نظم اجتماعی و کنش گروهی یا جمعی را توأمان تبیین کنیم. (والاس و وولف، ۱۹۹۹، نقل در همان) نظریه‌گزینش عقلانی هواداران بسیاری دارد. در آینده کوشش‌های فراوانی را برای مشروعیت بخشیدن به این نظریه به‌عنوان یک نظریه جامعه‌شناختی و حتی در جهت کاربرد و توسعه آن خواهیم دید. البته ممکن است گسترش و تشدید انتقادات را نیز در مورد نظریه‌گزینش عقلانی شاهد باشیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. اصطلاح فردگرایی روش‌شناختی به‌وسیله **شومپتر** (Schumpeter 1908) ابداع شد. «او این اصطلاح را وضع کرد تا بگوید نهایتاً همه پدیده‌های اجتماعی در تحلیل آخر به تصمیمات و کنش‌های افراد برمی‌گردند.» (مارتلی، ۲۰۱۰: ۳)
۲. فردگرایی روش‌شناختی چشم‌اندازی در مورد شیوه تبیین پدیده‌های اجتماعی است. در این رویکرد نظر بر این است که می‌توان پدیده‌های اجتماعی را برحسب کنش‌های افراد تبیین کرد. از این رو، نهادهای اجتماعی را باید به‌عنوان مجموعه‌هایی از افراد و تمایلات آن‌ها تکریم کرد. این رویکرد نوعی نگاه اتم‌گرایانه دارد و تبیینی اتم‌گرایانه از پدیده‌های اجتماعی ارائه می‌دهد که اتم‌های اجتماعی همان فرد و کنش‌های او هستند. (ایمان و غفاری‌نسب، ۱۳۹۱: ۲) به عبارت دیگر، در فردگرایی روش‌شناختی فرد به‌عنوان واحد اساسی تحلیل اجتماعی است؛ بر عکس روش‌های کل‌گرایانه که در آن‌ها اجتماع و ویژگی‌های فردی مستخرج از آن اساس تحلیل است. (پولاک، ۲۰۰۶)
۳. مفهوم دو راهی به معنای آن است که کنشگر بین دو گزینه واقع می‌شود که

با انتخاب یکی از آن‌ها، فرد به دنبال تحقق منافع آنی خویش است و در گزینه دوم، فرد به دنبال تحقق منافع جمع یا گروه است که البته خود وی نیز یکی از اعضای گروه است و لذا منافع گروه، مشتمل بر منافع فرد هم است. (جوادی یگانه و هاشمی، ۱۳۸۷: ۱۴۴)

منابع

۱. ایمان، محمدتقی و اسفندیار، غفاری‌نسب. «بررسی فردگرایی روش‌شناختی و چالش‌های آن در علوم اجتماعی». جامعه‌شناسی کاربردی. شماره ۴۵. ۱۳۹۱.
 ۲. بودون، ریمون. **منطق اجتماعی: روش تحلیل مسائل اجتماعی**. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. انتشارات جاویدان. تهران. ۱۳۷۰.
 ۳. جلائی‌پور، حمیدرضا و جمال، محمدی. **نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی**. نشر نی. تهران. ۱۳۸۷.
 ۴. جوادی یگانه، محمدرضا. «رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی». راهبرد فرهنگ. شماره ۳. ۱۳۸۷.
 ۵. جوادی یگانه، محمدرضا و سیدضیاء، هاشمی. «تعارض نفع فردی و نفع جمعی (دو راهی اجمالی) و عوامل مؤثر بر آن». نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۶. ۱۳۸۴.
 ۶. جوادی یگانه، محمدرضا و سیدضیاء، هاشمی. «نگاهی جدید به مناقشه فردگرایی و جمع‌گرایی در جامعه‌شناسی». نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۳. ۱۳۸۷.
 ۷. ریترز، جورج. **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**. ترجمه محسن ثلاثی. انتشارات علمی. تهران. ۱۳۷۷.
 ۸. ریترز، جورج. مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن. ترجمه شهناز مسمی‌پرست. نشر ثالث. تهران. ۱۳۸۹.
 ۹. ریترز، جورج و گودمن، داگلاس جی. **نظریه جامعه‌شناسی مدرن**. ترجمه خلیل میرزایی و عباس لطفعلی‌زاده. انتشارات جامعه‌شناسان. تهران. ۱۳۹۰.
 ۱۰. قدیری اصلی، باقر. **سیر اندیشه اقتصادی**. انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۷۶.
 ۱۱. کرایب، یان. **نظریه اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس**. ترجمه عباس مخبر. انتشارات آگاه. تهران. ۱۳۸۶.
 ۱۲. کلمن، جیمز. **بنیادهای نظریه اجتماعی**. ترجمه منوچهر صبوری کاشانی. نشر نی. تهران. ۱۳۷۷.
 ۱۳. لیتل، دانیل. **تبیین در علوم اجتماعی**. ترجمه عبدالکریم سروش. مؤسسه فرهنگی صراط. تهران. ۱۳۸۱.
 ۱۴. مقدس، علی‌اصغر و علیرضا اسلام. «کاوشی در نظریه انتخاب عقلانی با تأکید بر آرای مایکل هکتر». *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*. ۱۳۸۵.
15. Boudon, Raymond (2003). "Beyond Rational Choice theory", *Annu. Rev. Sociol.* Vol. 29:1-21.
16. Martinelli, Alberto (2010). *Rational Choice and Sociology Historical Developments and Theoretical approaches in Sociology*, No 1
17. Pollack, Mark.A (2006), *Rational choice and Eu Politics in: Handbook of European union Politics*.
18. Tilly, Charles (1997), *James S. Coleman as a Guide to Social Research*, *American Sociologist*, No 28: 82-87.
19. Heckathorn, Douglas D (2003). *Sociological Rational Choice in HANDBOOK of SOCIAL THEORY*, Edited by George Ritzer & Barry Smart., New Delhi: SAGE Publications.